

وجوب امر به معروف و نهی از منکر در کلام امام راحل

* همه ی ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند و در همه ی کارهایی که الآن مربوط به اسلام است. اگر دیدید که یک کمیته خدای نخواستہ بر خلاف مقررات اسلام دارد عمل میکند، بازاری باید اعتراض کند؛ معلمین و علما باید اعتراض کنند. اعتراض کنند تا این کج را راست کنند. اگر دیدند یک معمم بر خلاف موازین اسلام، خدای نخواستہ، می خواهد عمل بکند، همه موظفند که جلوی او را بگیرند که امروز غیر روزهای دیگر است. آن وقت هم باید بگیرند، اما حالا کار مهم است. حالا اساس، اساس وجهه ی اسلام است. اساسی است که الآن اسلام به دست ما افتاده، داریم چه می کنیم؟ بنابر این، آنی که به نظر بنده مهم است این است، و البته اینها هم باید عمل بشود؛ اما اینها در درجه ی دوم است؛ درجه ی اولش عبارت از این است که همه ی ما، همه ی قشرها، همه، اینها همه باید این جهت را توجه داشته باشند و همه ی آنها مراعات این مسائل را بکنند (۱) توجه داشته باشند که مبادا من یک وقت یک کلمه بر خلاف مقررات اسلام بگویم. اعتراض کنند؛ بنویسند، بگویند. آقا، خدای نخواستہ آقا، شما، ایشان، ایشان، اینهایی که الآن مردم توجه به آنها دارند و می گویند اینها مثلاً دارند اداره می کنند، چه حکومت باشد و چه کسانی که عرض بکنم که از این دادگاه ها باشد، هر جا باشد، الآن وقت این است که همه ی اینها مواظبت کنند خودشان را [ا.ر.ا]. مواظبت کنند در اینکه یک قدم کج نگذارند؛ و اسلام را حفظ کنند. صورت اسلام را آنطوری که هست نشان بدهند. و اگر خدای ناخواستہ یک کسی پیدا شد که یک کار خلاف کرد، اعتراض کنند مردم؛ مردم همه به او اعتراض کنند که چرا این کار را می کنی...

صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۵

* الآن مکلفیم ما، مسئولیم همه مان، همه مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان؛ مسئول کارهای دیگران هستیم «کلکم راع و کلکم مسول عن رعیت»، همه باید نسبت به هم رعایت بکنند. همه باید نسبت به دیگران. مسئولیت من هم نسبت به دیگران. مسئولیت من هم گردن شماست؛ شما هم گردن من است. اگر من پام را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ اگر خدای نخواستہ یک معمم در یک جا پایش را کج گذاشت، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا بر خلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند. نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد؛ مال همه است. امت باید نهی از منکر بکند؛ امر به معروف بکند.

صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۴۸۲

*مسئولیم در مقابل خدا و در مقابل وجدان. و همه مان باید مراعات بکنیم؛ یعنی نه اینکه مراعات خودمان را؛ من مراعات همه شما را بکنم؛ شما هم هر یک مراعات همه را. یک همچون برنامه ای است که همه را وادار کرده که به همه «چرا» بگوییم، همه را. به هر فردی، لازم کرده، به اینکه امر به معروف کند. اگر یک فرد خیلی به نظر مردم مثلاً پایین، یک فردی که به نظر مردم خیلی اعلا رتبه هم هست، اگر از او یک انحرافی دید، بیاید (اسلام گفته برو به او بگو نکن) بایستد در مقابلش بگوید این کارِت انحراف بود نکن.

صحیفه امام؛ ج ۱۰، ص ۱۱۰

*مسلمانان اگر بخواهند اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد که مسلمان نیست]؛ لیس بمسلم؛ من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم، هی هم بگو لاله الا الله، مسلم نیست اینطور. اسلام آن طور است که به درد مسلمین بخورد، برسد به درد مسلم، که آقا کشتند جوانهای ما. ما بی تفاوت باشیم؟ کشتند علمای ما را، ما بی تفاوت باشیم؟ کشتند مؤمنین و مسلمین را، ما بی تفاوت باشیم؟ ما راضی بشویم به این امر؟ ما کاری بکنیم که از آن انتزاع رضایت بشود؟ باید ما خودمان را عوض کنیم.

صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۳۴۰

*ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمومنین (علیه السلام) در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می دهد و می فرماید: و کونا للظالم خصماً، وللمظلوم عوناً. دشمن ستمگر، و یاورِ پشتیبان ستمدیده باشید.

ولایت فقیه؛ ص ۳۷

*اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرف حقی، باید از تاریخ استفاده کند. از تاریخ اسلام استفاده کند، ببیند که در تاریخ اسلام چه گذشته؛ و اینکه گذشته سرمشق هست از برای ما. حضرت سید الشهداء، با یک عدد کمی حرکت کردند و مقابل یزید که خوب یک حکومت قلدری بود، یک حکومت مقتدری بود و اظهار اسلام هم می کرد، و از قوم و خویش های خود اینها هم بود؛ در عین حالی که اظهار اسلام می کرد و حکومتش (به خیال خودش) حکومت اسلامی بود و خلیفه رسول الله (به خیال خودش بود) بود لکن اشکال این بود که یک آدم ظالمی بود که بر مقدرات یک مملکت، بدون حق تسلط پیدا کرده است اینکه حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) نهضت کرد و قیام کرد با عدد کم در مقابل این، برای این [بود] که گفتند تکلیف من این است که استنکار کنم از این، نهی از منکر کنم. اگر یک حاکم ظالمی بر مردم مسلط شد، علمای ملت، دانشمندان ملت باید استنکار کنند. در عین حال که می دانست، یعنی به حسب قواعد هم معلوم بود، به حسب قواعد هم یک عده ی کمی که آن وقتی که همراهانش همه با هم بودند می گویند چهار هزار نفر بودند لکن شب آنها رفتند، یک عدد بسیار

کم هفتاد_هشتاد نفری، هفتاد و دو نفری ماند، در عین حال او تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود تا به هم بخورد این اوضاع؛ تا رسوا بکند این قدرت را با فداکاری خودش و این عده ای که همراه خودش بود. صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۱۶۲

* ما به تبع تعالیم عالیّه ی قرآن و آنچه از اسلام و سیره ی رسول اکرم و ائمه ی مسلمین به دست آوردیم و از سیره ی انبیا (چنانچه در قرآن نقل می فرماید) به دست آوردیم، آن است که مستضعفین با هم مجتمع شوند و بر مستکفبین ثوره کنند و نگذارند حقوق آنها را ببرند. صحیفه امام؛ ج ۷، ص ۱۱۷

خیال نکنید که اسلام که اسلام فقط این تکه است؛ نماز و روزه است فقط، نیست این طور، پیغمبر هم می نشست توی مسجدش و نماز می خواند. چرا از اول عمرش تا آخر زحمت کشید، جنگ کرد، زد و خورد کرد، شکست خورد، شکست داد، تا مسائل را آن قدری که می توانست عمل کرد. امیرالمؤمنین هم همین طور، دیگران هم همین طور، صلحا هم همین طورند، اشخاص بیدار این طورند. این طور نیست که بنشینند توی مسجد و کار به این کارها نداشته باشند. بنشینند توی خانه هایشان و کار به کسی نداشته باشند؛ بی طرف باشند؛ کاری ما به این کارها نداریم! اگر این منطق انبیا این بود که ابراهیم نمی رفت هجمه کند بر آنها، پیغمبر این کار را نمی کرد. منطق انبیا این نیست که «اشداء» باید باشند بر کفار و بر کسانی که بر ضد بشریت هستند، بین خودشان هم رحیم باشند. و آن شدت هم رحمت است بر آنها. صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص ۱۴۰

* علمای اسلام وظیفه دارند هر وقت برای اسلام و قرآن احساس خطر کردند، به مردم مُسلم گوشزد کنند، تا در پیشگاه خداوند متعال مسئول نباشند.

صحیفه امام؛ ج ۱، ص ۱۳۷

* این جماعت را ابتدا باید نصیحت و بیدار کرد. به آنها گفت مگر خطر را نمی بینید؟ مگر نمی بینید که اسرائیلی ها دارند می زنند و می کشند و از بین می برند، و انگلیس و آمریکا هم به آنها کمک می کنند، و شما نشسته اید تماشا می کنید. آخر شما باید بیدار شوید؛ به فکر علاج بد بختی های مردم باشید. مباحثه به تنهایی فایده ندارد؛ مسأله گفتن به تنهایی دردها را دوا نمی کند. در شرایطی که دارند اسلام را از بین می برند، بساط اسلام را به هم می زنند، خاموش نشینید... بیدار شوید، و به این حقایق و واقعیت ها توجه کنید. به مسائل روز توجه کنید. خودتان را تا این اندازه مهمل بار نیاورید ولایت فقیه؛ ص ۱۴۵

*اکنون که دولت غاصب اسرائیل، برای فتنه انگیزی بیشتر و تجاوز زیادتر به سرزمین های عربی و ادامه ی دست غاصبانه در قبال صاحبان حق، پیا خواسته و آتش حق، جنگ را چندمین بار شعله ور ساخته است، و برادران مسلمان ما در راه ریشه کردن این ماده ی فاسد و آزادی فلسطین جان بر کف نهاده در جبهه ی نبرد و میدان شرف به جنگ پرداخته اند، بر عموم دولت های ممالک اسلامی و خصوص دول عربی لازم است که با توکل به خدای متعالی و تکیه بر قدرت لایزال، همه ی قوا و نیروی خویش را بسیج ساخته به یاری مردان فداکاری که در خط اول جبهه چشم امید به ملت اسلام دوخته اند بشتابند، برای آزادی فلسطین و احیای مجد و شرف و عظمت اسلامی در این جهاد مقدس شرکت کنند.

صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۱

*عموم مردم را موظف میدانیم که انحراف از مسیر اسلامی را در هر کجا که می بینند از پایین ترین تا بالا ترین مقامات بالا فاصله جلوگیری کنند. و بدین ترتیب از رشد فساد جلوگیری می شود و مجال بر عناصر نیز بسته می ماند.

صحیفه امام؛ ج ۴، ص ۴۱۳

*ما همه امروز وظیفه داریم. امر به معروف و نهی از منکر بر همه ی مسلمین واجب است. جلوگیری از منکرات بر همه ی مسلمین واجب است. سفارش به حق که امر به معروف و نهی از منکر است بر همه ی مسلمین واجب است. شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاههای اجرایی است امر به معروف کنیم. و اگر اشخاصی پیدا شود که خلاف می کنند معرفی کنیم به مقاماتی که برای جلوگیری مهیا هستند. و مشکلاتی را هم تحمل کنیم.

صحیفه امام؛ ج ۱۳، ص ۴۷۰

*اکنون بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می برند و به حال اسلام و مسلمین تأسف می خورند، در هر منطقه و دارای هر مذهب و مسلکی که هستند، لازم است برای جلوگیری از این خطر عظیم که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند دامن همت به کمر زنند، و با هر وسیله ی ممکن در مساجد و محافل و مجالس عمومی مسلمانان را هشدار دهند و از آنان غفلت زدایی نمایند، و آنان را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند. و باید بدانند که این امری است ممکن و شدنی، ولی محتاج به کوشش و فداکاری می باشد.

صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص ۲۱

* ما يك تكلیفی داریم ، ادا می کنیم. ما به شرط غلبه قیام نمی کنیم، ما می خواهیم يك تکلیفی ادا بکنیم. اگر غالب شدیم که نتیجه هم به دست آمده و چنانچه غالب نشدیم و کشته شدیم، انبیا هم خیلی شان، اولیا هم خیلی شان قیام می کردند و نمی توانستند به مقصد خودشان برسند. ما مکلفیم که در مقابل يك همچو ظمی که در آستانه ی این است که اسلام را وارونه کند و کج فهمی ها اسلام را صدمه بزنند، ما می خواهیم که در مقابل يك همچو بدعت هایی اظهار نظر بکنیم، چه غالب بشویم و چه نشویم.

صحیفه امام؛ ج ۱۳، ص ۱۳۸

* عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است]، تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم.

صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۱۶